

فصل دوم

تحولات شاخص‌های کلان و جایگاه صنعت، معدن و تجارت در اقتصاد ملی

اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵ رشدی ۱۱٫۱ درصدی را تجربه کرد. از منظر عرضه، جزء استخراج نفت و گاز طبیعی با رشد ۳۵٫۳ درصدی و از منظر تقاضا، خالص صادرات کالاها و خدمات با رشد ۸۸٫۹ درصدی (عمدتاً ناشی از افزایش صادرات نفت) عامل اصلی رشد اقتصادی کشور در این سال بود. در سال ۱۳۹۵ زیرگروه صنعت رشد ۶٫۵ درصدی (و سهم ۱٫۱ واحد درصدی از رشد اقتصادی کشور) داشت. رشد ۱۱٫۳- درصدی زیرگروه ساختمان به دلیل تأثیر کاهنده بر تقاضای محصولات صنعتی و معدنی، عاملی بازدارنده در رشد زیرگروه صنعت بود. تحلیل رشد ۵٫۸- درصدی تشکیل سرمایه ناخالص در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد محیط سرمایه‌گذاری حوزه‌های صنعتی، معدنی و تجاری نیازمند اصلاح و بازآرایی در سه حوزه فضای کلان اقتصادی، زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات است. همچنین برای توسعه سرمایه‌گذاری می‌بایست علاوه بر بهبود محیط کسب و کار (که به مباحثی مانند کاهش فرایندها، زمان و هزینه امور می‌پردازد) به بهبود محیط سرمایه‌گذاری (که بر کاهش ریسک تأکید دارد) نیز توجه شود. زیرگروه صنعت (به دلیل پیوندها و ارتباطات وسیع) به عنوان پیشران رشد دارای تأثیر و ماندگاری بالا بر رشد اقتصادی کشور است. در این راستا به منظور افزایش سهم زیرگروه صنعت از اقتصاد ملی می‌بایست بازطراحی سیاست‌های اقتصادی با جهت‌گیری پشتیبانی از تولید و طراحی و پیاده‌سازی سیاست صنعتی جدید با رویکرد تولید محصولات با ارزش افزوده و توان رقابتی بالا دنبال شود.

در ارتباط با رشد اقتصادی و رشد زیرگروه صنعت دو نکته اساسی قابل ذکر است: اول آنکه رشد اقتصادی دو رقمی سال ۱۳۹۵ به دلیل اتکا به رشد جزء استخراج نفت و گاز طبیعی در سال‌های آتی محتمل بنظر نمی‌رسد. دوم آنکه کمبود تقاضای مؤثر در زیرگروه‌هایی مانند مسکن و از دست رفتن بازارهای صادراتی برای برخی محصولات صنعتی از دلایل بازدارنده رشد زیرگروه صنعت برای سال‌های آتی است؛ لذا افزایش هزینه‌های عمرانی و تقویت تقاضا در بخش مسکن از سیاست‌های قابل توصیه می‌باشد.

براین اساس فصل حاضر به تحلیل تولید ناخالص داخلی برحسب ارزش افزوده گروه‌ها و رشته فعالیت‌های عمده اقتصادی و اجزای هزینه ناخالص داخلی پرداخته است.

۱-۲. تولید ناخالص داخلی حسب ارزش افزوده گروه‌ها و رشته فعالیت‌های عمده اقتصادی

تحلیل گروه‌های تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۵ گروه کشاورزی ۲ درصد، گروه صنعت ۱۸٫۱ درصد و گروه خدمات ۵٫۸ درصد رشد داشتند. تحلیل دقیق‌تر اجزای گروه‌های مختلف نشان می‌دهد:

- رشد ۲ درصدی گروه کشاورزی عمدتاً ناشی از رشد ۲٫۱ درصدی زیرگروه کشاورزی بوده است. در این سال زیرگروه ماهیگیری رشد ۱٫۶- درصدی داشته است.
- رشد ۱۸٫۱ درصدی گروه صنعت عمدتاً ناشی از رشد ۳۳٫۱ درصدی زیرگروه معدن، ۶٫۵ درصدی زیرگروه صنعت و ۲۳٫۱ درصدی گروه تأمین آب، برق و گاز طبیعی بوده است و زیرگروه ساختمان با رشد ۱۱٫۳- درصدی عامل بازدارنده در رشد گروه صنعت بوده است. رشد زیرگروه معدن نیز عمدتاً ناشی از جزء استخراج نفت و گاز طبیعی با رشد ۳۵٫۳ درصدی بوده و جزء سایر معادن با رشد ۲٫۶- درصدی نقش کاهنده در رشد گروه معدن داشته است. در مجموع عامل اصلی رشد گروه صنعت در سال ۱۳۹۵ ناشی از جزء استخراج نفت و گاز طبیعی و تولید برخی صنایع کارخانه‌ای کشور بوده است. این در حالی است که کاهش ۱۱٫۳ درصدی ارزش افزوده زیرگروه ساختمان دارای تأثیر کاهنده بر تقاضای محصولات صنعتی و معدنی بوده و نقش بازدارنده‌ای در رشد گروه صنعت ایفا کرده است.
- در بین رشته فعالیت‌های خدماتی که از ارتباط بیشتری با حوزه صنعت، معدن و تجارت برخوردارند می‌توان به رشد ۵٫۱ درصدی ارزش افزوده زیرگروه عمده و خرده‌فروشی، هتل و رستوران (که بخش اعظم آن به بازرگانی داخلی مرتبط است) و رشد ۹٫۴ درصدی زیرگروه حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات (که مبین جریان گردش کالا در طول زنجیره ارزش تولید و مصرف محصولات صنعتی و معدنی می‌باشد) اشاره کرد که تحت تأثیر آن رشد گروه خدمات به ۵٫۸ رسید.

- ارزش افزوده گروه کشاورزی و رشته فعالیت تأمین آب، برق و گاز طبیعی به عنوان مشتریان تولیدات صنعتی با رشد به ترتیب ۲ و ۲۳٫۱ درصدی همراه بوده اند. به طور طبیعی به تناسب رشد ارزش افزوده گروه کشاورزی تقاضا برای ماشین آلات کشاورزی و همچنین کود و سموم تولیدی زیرگروه صنعت افزایش می یابد. همچنین در زیرگروه تولید آب، برق و گاز نیز بخشی از نیاز کالاهای واسطه ای و سرمایه ای مورد استفاده از طریق زیرگروه صنعت تأمین می شود. براین اساس رشد این دو زیرگروه به معنای افزایش تقاضا برای زیرگروه صنعت تلقی می گردد.

تحلیل رشد اقتصادی ایران طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ نشانگر روندی کند و پرنوسان است، به گونه ای که در سال ۱۳۹۱ رشد ۷٫۴- درصدی و در سال ۱۳۹۵ رشد ۱۱٫۱ درصدی تجربه شد. رشد اقتصادی بدون نفت طی این دوره نوسان کمتری داشت، به گونه ای که از ۰٫۴- درصد در سال ۱۳۹۱ به ۶٫۴ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافت.

جدول (۱-۲): رشد محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده گروه های اقتصادی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱

(به قیمت های ثابت ۱۳۹۰) (درصد)

۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	
۲٫۰	۳٫۸	۴٫۷	۲٫۸	۳٫۰	گروه کشاورزی
۲٫۱	۳٫۹	۵٫۳	۳٫۶	۲٫۴	کشاورزی
-۱٫۶	۲٫۳	-۸٫۰	-۱۱٫۱	۱۵٫۰	ماهیگیری
۱۸٫۱	-۱٫۵	۵٫۷	-۵٫۲	-۱۷٫۳	گروه صنعت
۳۳٫۱	-۰٫۸	۱٫۰	-۴٫۴	-۲۸٫۹	معدن
۳۵٫۳	-۰٫۶	۰٫۳	-۴٫۷	-۳۰٫۳	استخراج نفت و گاز طبیعی
-۲٫۶	-۳٫۳	۱۴٫۶	۱٫۵	۱۶٫۲	سایر معادن
۶٫۵	-۰٫۳	۱۳٫۳	-۹٫۰	-۴٫۵	صنعت
۲۳٫۱	-۰٫۲	۱۰٫۶	۸٫۵	-۸٫۳	تأمین آب، برق و گاز طبیعی
-۱۱٫۳	-۱۳٫۲	-۱۱٫۰	-۸٫۲	-۱۲٫۶	ساختمان
۵٫۸	-۰٫۵	۱٫۸	۳٫۸	۳٫۱	گروه خدمات

۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	
۵,۱	-۰,۶	۳,۷	۰,۳	-۲,۵	عمده و خرده‌فروشی، هتل و رستوران
۹,۴	-۶,۷	۱۱,۹	۰,۲	۱,۶	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۳۹,۱	-۳۱,۰	-۱۱,۴	۳,۳	-۶,۱	واسطه‌گری‌های مالی
۵,۱	۴,۳	-۴,۵	۹,۶	۱۸,۵	مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار
۱,۳	۴,۴	۳,۰	۲,۲	-۲,۷	امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری
۲,۱	-۰,۷	۱۷,۳	۱۷,۸	۲,۲	خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی
۱۰,۹	-۰,۷	۳,۷	-۰,۳	-۷,۳	جمع ارزش افزوده رشته فعالیت‌ها
-	-	-	-	-	خالص مالیات بر واردات
۱۱,۱	-۰,۴	۳,۶	-۰,۷	-۷,۴	محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)
۶,۴	-۰,۳	۴,۲	۰,۲	-۰,۴	محصول ناخالص داخلی (بدون نفت)

مأخذ: مرکز آمار ایران.

تحلیل سهم از رشد گروه‌های مختلف اقتصادی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ نشان می‌دهد:

- در سال ۱۳۹۴ گروه کشاورزی پیشران رشد اقتصادی کشور بود و به واسطه کاهش فعالیت‌های اقتصادی و رکود حاکم بر اقتصاد، گروه صنعت سهم ۰,۷- واحد درصدی در رشد اقتصادی آن سال داشت. در سال ۱۳۹۳ نیز گروه صنعت و خدمات به ترتیب با سهم ۲,۵ و ۰,۹ واحد درصدی عامل مسلط در رشد مثبت اقتصادی این سال بوده‌اند.
- بالاترین سهم از رشد اقتصادی ۱۱,۱ درصدی سال ۱۳۹۵ مربوط به گروه صنعت (۷,۹) و خدمات (۲,۹) می‌باشد. شایان ذکر است بالاترین دلیل رشد گروه صنعت نیز مربوط به جزء استخراج نفت و گاز طبیعی، تأمین آب، برق و گاز طبیعی می‌باشد. صنعت در سه سال از دوره ۹۵-۱۳۹۱ دارای سهم از رشد منفی بوده است و تنها در سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ دارای سهم از رشد مثبت بوده است. در مجموع می‌توان عنوان کرد که رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ عمدتاً مبتنی بر رشد جزء استخراج نفت و گاز طبیعی می‌باشد، اگرچه زیرگروه صنعت نیز رشد نسبتاً بالایی تجربه کرد.

جدول (۲-۲): سهم گروه‌های اقتصادی از رشد تولید ناخالص داخلی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱

(به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰) (درصد)

۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	
۰٫۱	۰٫۲	۰٫۳	۰٫۲	۰٫۲	گروه کشاورزی
۰٫۱	۰٫۲	۰٫۳	۰٫۲	۰٫۱	کشاورزی
۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	ماهیگیری
۷٫۹	-۰٫۷	۲٫۵	-۲٫۳	-۸٫۷	گروه صنعت
۵٫۷	-۰٫۱	۰٫۲	-۰٫۸	-۷٫۰	معدن
۵٫۸	-۰٫۱	۰٫۰	-۰٫۸	-۷٫۱	استخراج نفت و گاز طبیعی
۰٫۰	۰٫۰	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۱	سایر معادن
۱٫۱	-۰٫۱	۲٫۱	-۱٫۶	-۰٫۸	صنعت
۱٫۳	۰٫۰	۰٫۶	۰٫۴	-۰٫۴	تأمین آب، برق و گاز طبیعی
-۰٫۳	-۰٫۴	-۰٫۴	-۰٫۳	-۰٫۶	ساختمان
۲٫۹	-۰٫۲	۰٫۹	۱٫۸	۱٫۳	گروه خدمات
۰٫۷	-۰٫۱	۰٫۵	۰٫۰	-۰٫۳	عمده و خرده‌فروشی، هتل و رستوران
۰٫۷	-۰٫۵	۰٫۹	۰٫۰	۰٫۱	حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات
۰٫۶	-۰٫۷	-۰٫۳	۰٫۱	-۰٫۲	واسطه‌گری‌های مالی
۰٫۷	۰٫۶	-۰٫۷	۱٫۳	۱٫۹	مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار
۰٫۲	۰٫۵	۰٫۳	۰٫۲	-۰٫۳	امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری
۰٫۰	۰٫۰	۰٫۲	۰٫۲	۰٫۰	خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی
۱۰٫۹	-۷٫۰	۳٫۷	-۰٫۳	-۷٫۲	رشد ارزش افزوده رشته فعالیت‌ها
۰٫۲	۰٫۳	-۰٫۱	-۰٫۳	-۰٫۲	خالص مالیات بر واردات
۱۱٫۱	-۰٫۴	۳٫۶	-۰٫۶	-۷٫۴	رشد محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)

مأخذ: مرکز آمار ایران.

بر اساس جدول مذکور می‌توان بیان داشت تغییر در ترکیب منابع رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ رخ داده، به نحوی که در سال ۱۳۹۵ زیرگروه صنعت به عنوان منبع رشد اقتصادی جایگزین گروه کشاورزی شده است. ضمن آنکه عامل مسلط در رشد گروه صنعت در سال ۱۳۹۵، جزء استخراج نفت و گاز طبیعی با سهم ۵/۸ واحد درصد بوده و زیرگروه صنعت (ساخت) تنها ۱/۱ واحد درصد در رشد کل سهم داشته است.

- تحلیل گروه صنعت نشان می‌دهد زیرگروه معدن، تأمین آب، برق و گاز طبیعی و صنعت به ترتیب بیشترین سهم از رشد ۷/۹ درصدی گروه صنعت در سال ۱۳۹۵ را داشته‌اند. زیرگروه معدن سهم ۵/۷ واحد درصدی از رشد ۷/۹ درصدی گروه صنعت را دارا بوده است. زیرگروه تأمین آب برق و گاز طبیعی و صنعت (ساخت) نیز به ترتیب با سهم ۱/۳ و ۱/۱ واحد درصدی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. زیرگروه ساختمان به عنوان مصرف‌کننده محصولات صنعتی طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۱ همواره با سهم از رشد منفی مواجه بوده است (سهم این زیرگروه از رشد گروه صنعت در سال ۱۳۹۵ معادل ۰/۸- است).

- زیرگروه عمده و خرده‌فروشی، هتل و رستوران (با سهم ۰/۷ واحد درصد)، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات (با سهم ۰/۷ واحد درصد)، مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار (با سهم ۰/۷ واحد درصد) و واسطه‌گری‌های مالی (با سهم ۰/۶ واحد درصد) بیشترین سهم از رشد گروه خدمات در سال ۱۳۹۵ را داشته‌اند. شایان ذکر است در سال ۱۳۹۴ زیرگروه مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار دارای بیشترین تأثیر بر رشد گروه خدمات بوده است. افزایش سهم زیرگروه حمل و نقل از ۰/۵- واحد درصد در سال ۱۳۹۴ به ۰/۷ واحد درصد در سال ۱۳۹۵ گویای بهبود وضعیت رکودی حاکم بر زیرگروه صنعت به واسطه افزایش فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات انجام‌شده این زیرگروه است.

۲-۲. اجزای هزینه ناخالص داخلی^۱

بررسی اجزای هزینه ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد عوامل پیشران رشد تقاضای کل شامل هزینه مصرف نهایی (خصوصی و دولتی) و خالص صادرات کالاها و خدمات بوده‌اند و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (ماشین‌آلات) عامل محدودکننده رشد بوده است. بررسی اجزای هزینه ناخالص داخلی (به مفهوم ترکیب تقاضای کل اقتصاد) طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ نشان می‌دهد:

۱. یکی از روش‌های شناخته شده به منظور برآورد تولید ناخالص داخلی، روش هزینه نهایی است. در این روش با جمع هزینه‌های نهایی واحدهای اقتصادی، تولید ناخالص داخلی برآورد می‌گردد. به عبارتی، محصولات تولید شده در داخل به صورت‌های مختلف از جمله مصرف نهایی خانوار و دولت، سرمایه‌گذاری (ثابت و در گردش) و صادرات و واردات به مصرف می‌رسد.

- **هزینه مصرف نهایی** رشدهای پرنوسانی را تجربه کرد، به گونه ای که از ۵٫۶- درصد در ابتدای دوره به ۳٫۴ درصد در انتهای دوره افزایش یافت. رشد هزینه نهایی (کل، خصوصی و دولتی) در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ منفی و در مابقی سالها مثبت بوده است. رشد هزینه مصرف نهایی در سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ تقریباً برابر می باشند و تنها اجزای آنها رشد متفاوتی تجربه کرده اند، بدان مفهوم که در سال ۱۳۹۴ عامل مسلط رشد هزینه مصرف نهایی دولتی بوده است. پایین ترین رشد هزینه مصرف نهایی مربوط به سال ۱۳۹۳ با رشد ۷٫۷- درصد است که در این سال رشد هزینه مصرف نهایی دولت ۱۸٫۴ درصد کاهش نشان می دهد.
 - **تشکیل سرمایه ثابت ناخالص** در تمامی سال ها بجز سال ۱۳۹۳ رشد منفی تجربه کرده است. بالاترین رشد مربوط به سال ۱۳۹۳ با رشد ۳٫۸ درصدی و پایین ترین رشد مربوط به سال ۱۳۹۱ با رشد ۲۷- درصد است. بررسی اجزاء محصول ناخالص داخلی نیز نشان می دهد رشد تشکیل سرمایه در ساختمان در کل دوره ۹۵-۱۳۹۱ منفی بوده است. رشدهای منفی تشکیل سرمایه ناخالص نشانگر عدم توسعه ظرفیت های جدید برای افزایش تولید و رشد اقتصادی می باشد.
 - **خالص صادرات کالاها و خدمات** بجز سال ۱۳۹۱ رشد مثبت تجربه کرد. در سال ۱۳۹۵ رشد ۸۸٫۹ درصدی خالص صادرات کالا و خدمات عمدتاً ناشی از رشد صادرات کالاها و خدمات به میزان ۶۰٫۶ درصد می باشد. واردات کالاها و خدمات در تمامی سال ها بجز سال ۱۳۹۵ رشد منفی داشته که کمترین آن مربوط به سال ۱۳۹۴ معادل ۱۵٫۵- درصد بوده است.
- بر اساس آنچه عنوان شد می توان نتیجه گرفت در سال ۱۳۹۵ رشد خالص صادرات کالاها و خدمات و هزینه مصرف نهایی عوامل اصلی رشد هزینه ناخالص داخلی بودند، ضمناً تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به دلیل رشد منفی عامل بازدارنده رشد بوده است. شایان ذکر است افزایش صادرات نفت دلیل اصلی رشد خالص صادرات کالاها و خدمات در این سال می باشد.

تحلیل رشد ۱۱٫۱ درصدی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵ از دو منظر عرضه و تقاضا نشان می دهد:

- از طرف عرضه، گروه صنعت (با محوریت جزء استخراج نفت و گاز طبیعی) پیشران اصلی رشد اقتصادی کشور بوده است؛ به گونه ای که این جزء رشد ۳۵٫۳ درصدی و سهم ۵٫۸ واحد درصدی از رشد اقتصادی را به خود اختصاص داد.
- از طرف تقاضا، خالص صادرات کالاها و خدمات عامل اصلی رشد اقتصادی قلمداد می شود، به گونه ای که رشد ۸۸٫۹ درصدی تجربه شد. عامل اصلی تراز مثبت خالص صادرات کالاها و خدمات نیز ناشی از افزایش صادرات نفت خام بوده است.

جدول (۳-۲): رشد محصول ناخالص داخلی کشور به تفکیک اجزای هزینه نهایی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱

(به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰) (درصد)

۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	
۳,۴	۳,۳	-۷,۷	۱۱,۵	-۵,۶	هزینه مصرف نهایی
۳,۴	۲,۵	-۲,۱	۲,۰	-۳,۰	هزینه مصرف نهایی خصوصی
۳,۵	۵,۱	-۱۸,۴	۳۵,۵	-۱۱,۴	هزینه مصرف نهایی دولت
-۵,۸	-۹,۳	۳,۸	-۱۰,۲	-۲۷	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۱,۳	-۳,۸	۳۶,۹	-۱۹,۲	-۳۷,۸	تشکیل سرمایه در ماشین آلات
-۱۱,۳	-۱۳,۲	-۱۱,۴	-۵,۴	-۱۹,۶	تشکیل سرمایه در ساختمان
۸۸,۹	۳۷,۷	۳۱,۸	۲۵,۸	-۳۴,۴	خالص صادرات کالاها و خدمات
۶۰,۶	۱۴,۰	۷,۸	۷,۷	-۲۳,۱	صادرات کالاها و خدمات
۳,۴	-۱۵,۵	-۱۲,۱	-۳,۸	-۱۳,۷	واردات کالاها و خدمات
-	-	-	-	-	تغییرات موجودی انبار و اشتباهات آماری
۱۱,۱	-۰,۴	۳,۶	-۰,۷	-۷,۴	محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)

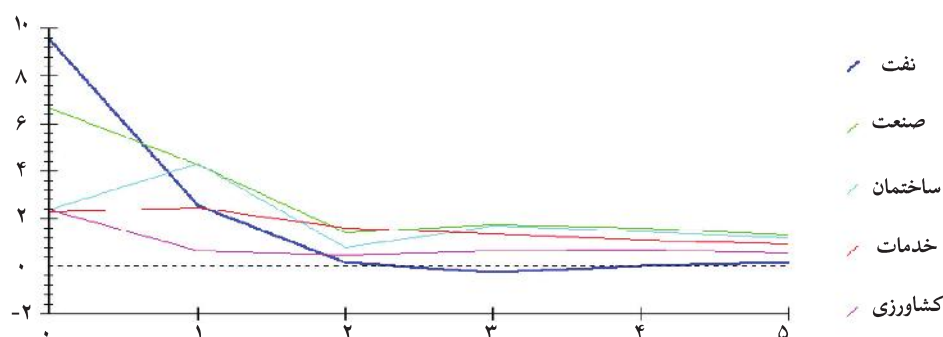
مأخذ: مرکز آمار ایران.

از ویژگی‌های رشد تولید ناخالص داخلی ایران روند بطنی و بسیار پرنوسان آن است که یکی از دلایل آن وابستگی اقتصاد کشور به نفت و برون‌زا بودن تحولات بازار نفت می‌باشد. براساس نمودار (۲-۱) که تأثیر زیربخش‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی کشور را نشان می‌دهد نتایج زیر قابل استخراج است:

- بخش نفت (OIL) دارای بیشترین تأثیر اولیه بر رشد اقتصادی است، اما تأثیر آن ماندگار نیست بلکه گذرا و میرا می‌باشد (براساس نمودار (۲-۱) تأثیر بخش نفت بر رشد اقتصادی پس از یک دوره به سمت صفر میل می‌کند).
- بخش صنعت (IND) و ساختمان (HOU) به ترتیب تأثیر بالا و ماندگاری بر رشد اقتصادی کشور دارند. نکته اساسی آنکه رشد بخش صنعت ارتباط تنگاتنگی با رشد بخش ساختمان دارد، بدان مفهوم که بخشی از رشد بخش صنعت وابسته به بخش ساختمان است (لذا رونق بخش صنعت تا حدودی از بخش ساختمان تأثیر می‌پذیرد).

- بخش خدمات (SER) و کشاورزی (AGR) نیز در رتبه‌های بعدی تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی کشور می‌باشند. گفتنی است رشد بخش خدمات به‌شدت وابسته به حجم فعالیت‌های اقتصادی بخش‌های کالایی نظیر رشد بخش صنعت می‌باشد. لذا بدون رونق در بخش‌های کالایی نمی‌توان انتظار رشد در بخش خدمات را داشت.

نمودار (۱-۲): اثر تغییر زیربخش‌های اقتصادی (به میزان یک انحراف معیار) بر رشد اقتصادی کشور (درصد)



مأخذ: محاسبات پژوهش.

• محور افقی نشانگر دوره و افق زمانی و محور عمودی نشانگر تأثیرگذاری زیربخش‌ها بر رشد اقتصادی است.

بخش نفت تأثیرگذاری اولیه بالا اما ماندگاری پایین بر رشد اقتصادی کشور دارد (دلیل این امر پیوندهای محدود با سایر بخش‌های اقتصادی و شیوه استفاده از درآمدهای نفتی است که حتی در مواردی تأثیرگذاری منفی بر بخش تولید داشته است). بخش‌های صنعت و ساختمان به دلیل پیوند با یکدیگر دارای تأثیر و ماندگاری بالا بر رشد اقتصادی کشور می‌باشند (دلیل این امر پیوندها و ارتباطات وسیع این بخش‌ها با سایر بخش‌های اقتصادی است). براین اساس توجه به موارد زیر ضروری است:

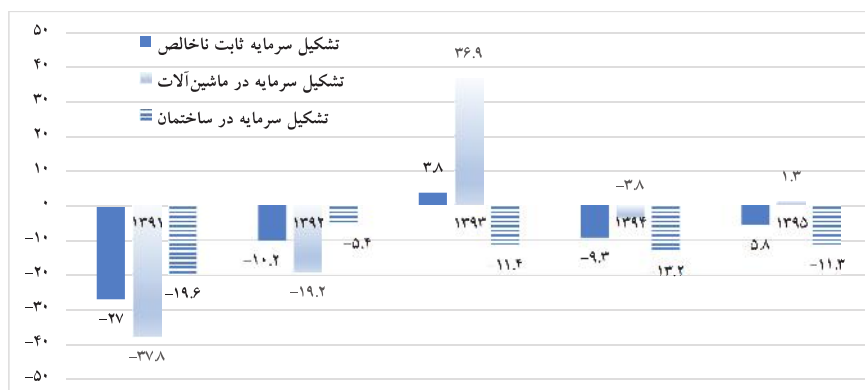
- رشد بالایی بخش نفت در سال ۱۳۹۵ تأثیر ماندگاری بر رشد اقتصادی سالهای آتی نخواهد داشت، لذا انتظار تداوم رشد از این منبع دور از انتظار می‌باشد.
- بخش‌های صنعت و ساختمان بخش‌های پیشران کشور برای تداوم رشد محسوب می‌شوند، لذا برنامه‌ریزی برای تحریک این بخش‌ها می‌بایست در اولویت قرار گیرد.

۳-۲. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۱۳۹۵ با ۵/۸ درصد کاهش مواجه شد که عمدتاً ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان بود. همچنین رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ روند کاهنده و پرنوسانی داشته است. ازجمله دلایل این موضوع را باید در امنیت سرمایه‌گذاری محدود کشور جستجو کرد. امنیت سرمایه‌گذاری (به‌عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت اقتصادی) دربرگیرنده ابعاد مختلفی شامل (۱) پایین بودن احتمال بروز جنگ، (۲) ثبات سیاسی، (۳) ثبات در قانون‌گذاری، (۴) محیط سرمایه‌گذاری شفاف و مناسب، (۵) ابعاد محدود و منطقی ریسک، (۶) کاهش خطر ابطال قراردادها و ایفاء تعهدات، (۷) وجود سازوکارهای کم‌هزینه و سریع احقاق حقوق از طریق مراجع قضایی، (۸) شفافیت اطلاعات و بازدارندگی از فساد مالی و اقتصادی، (۹) بسترهای رقابت و آزادی اقتصادی، (۱۰) وجود نظام حقوقی مقوم حمایت از حقوق مالکیت و بویژه مالکیت فکری و معنوی و (۱۱) ثبات اقتصادی از طریق تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی می‌باشد.

نمودار (۲-۲): رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و زیرگروه‌های آن طی دوره ۹۵-۱۳۹۱

(به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰) (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران.

براساس گزارش بانک جهانی (۲۰۱۵)^۱ سرمایه‌گذاران به دو مقوله بازدهی و ریسک توجهی ویژه دارند و در این میان پایین بودن سطح ریسک اولویت بالاتری نسبت به بازدهی دارد. بررسی جایگاه ایران در

1. Banerjee, R, et al. (2015). Why Is Investment Weak. BIS Quarterly Review. Bank for International Settlements.

مقایسه با سایر کشورها بیانگر وضعیت نه چندان مناسب در شاخص های محیط سرمایه گذاری و امنیت آن است. کسب امتیاز ۷ از ۸ در میزان ریسک پذیری (سال ۲۰۱۵)، رتبه ۷۰ در شاخص اجرای قراردادها که مبین هزینه و مدت زمان حل اختلافات تجاری و وصول طلب است (سال ۲۰۱۷)، رتبه ۱۱۶ شفافیت سیاست گذاری دولت (سال ۲۰۱۶)، رتبه ۱۳۱ شاخص ادراک فساد (سال ۲۰۱۶) و رتبه ۱۰۴ در حقوق مالکیت معنوی (سال ۲۰۱۶) جملگی گواهی بر این مدعا است. براساس گزارش ریسک کشوری سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، درجه ریسک سرمایه گذاری (از کمترین تا بیشترین) بین صفرتا ۸ قرار می گیرد. براساس گزارش این سازمان، میزان ریسک پذیری ایران در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) در حد ۶ قرار دارد که نسبت به سال ۱۳۹۴ یک امتیاز بهبود پیدا کرده است؛ اما همچنان در سطح بالایی قرار دارد. این درحالی است که این شاخص در سال ۲۰۰۱، برای ایران در حد ۴ بود. همچنین رتبه ایران در ریسک تجارت و سرمایه گذاری (شامل ریسک های مرتبط با باز بودن اقتصاد، مداخلات دولت و مخاطرات قانونی) در بین کشورهای منطقه بسیار نامناسب ارزیابی شده است.

«پایش عوامل مؤثر بر محیط سرمایه گذاری تشکلهای صنعتی، معدنی و تجاری» (شامل ۱۲۰ تشکل صنعتی، معدنی و تجاری) در سه حوزه فضای کلان اقتصادی، زیرساخت ها و قوانین و مقررات نشان می دهد:

- از منظر تشکلهای نظام دوگانه نرخ ارز، ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی، عدم وجود راهنمای مناسب برای سرمایه گذاری، عدم حمایت از حقوق سرمایه گذار، وضعیت سیاسی و واردات کالاهای قاچاق مهم ترین عوامل عدم بهبود محیط سرمایه گذاری معرفی شده اند.
- از منظر تشکلهای، زیرساخت های فعلی برای سرمایه گذاری مناسب نیست و نامناسب ترین زیرساخت ها به ترتیب زیرساخت های حمل و نقل، زیرساخت های آب، برق و گاز و زیرساخت های مخابرات می باشند.
- از منظر تشکلهای، وضوح و انسجام قوانین برای سرمایه گذاری در ایران مناسب نیست و نامناسب ترین قوانین به ترتیب قوانین کار، تأمین اجتماعی، قوانین مالیاتی و امور گمرکی می باشند.^۱

ارتقای امنیت سرمایه گذاری مستلزم چارچوب نهادینه ای از شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اداری است که تحقق آن نیازمند هماهنگی بین قوای سه گانه است. همچنین به دلیل

۱. طرح مطالعاتی چشم انداز آثار تحولات اقتصاد کلان بر بخش صنعت، معدن و تجارت، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۹۶

ناکارآمدی برخی قوانین نظیر قانون ورشکستگی و قانون تجارت، اصلاح قوانین یا مواد قانونی مرتبط با حوزه سرمایه‌گذاری حایز اهمیت است؛ به نحوی که کاهش مخاطرات ناشی از تعدد قوانین موجود و عدم شفافیت آنها می‌تواند به بهبود امنیت سرمایه‌گذاری منجر شود. لذا رویکرد دولت جهت بهبود امنیت سرمایه‌گذاری می‌بایست بجای تمرکز بر شاخص‌های فضای کسب و کار، حول بهبود محیط سرمایه‌گذاری از طریق کاهش ریسک و جبران شکست‌های بازار (فقدان تقارن اطلاعات، بازارهای غیررقابتی، صرفه‌های بیرونی و محدودیت‌های هماهنگی) متمرکز شود تا از این طریق هزینه‌ها، ریسک و موانع رقابت را کاهش و محیط سرمایه‌گذاری را ارتقا بخشد.

بهبود فضای کسب و کار تنها بر بخش محدودی از عوامل محیط سرمایه‌گذاری (عمدتاً شامل کاهش هزینه‌ها، زمان و مراحل انجام فرایندها) تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، تسهیل و ارتقای فضای کسب و کار اگرچه ضروری است، اما پاسخگوی چالش‌های کلیدی کشور در حوزه محیط سرمایه‌گذاری نیست؛ چون اصولاً ماهیت رویکردهای تغییر محیط سرمایه‌گذاری متفاوت از آن چیزی است که در فضای کسب و کار دنبال می‌شود. مقوله‌های اصلی در محیط سرمایه‌گذاری بحث ریسک، امنیت و ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی هستند در حالیکه مسایل اصلی در فضای کسب و کار به بهبود مستمر فرایندها جهت کاهش هزینه‌ها و زمان ارتباط می‌یابد.^۱

۲-۴. نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱

بررسی روند نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ نشان می‌دهد این نسبت از ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۲۴/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در بین اجزای این شاخص نسبت سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات به تولید از ۵/۹ در ابتدای دوره به ۱۸/۳ درصد در انتهای دوره افزایش و نسبت سرمایه‌گذاری در ساختمان به تولید از ۱۰/۷ به ۶/۲ درصد کاهش یافته است. روند کاهشی سهم سرمایه‌گذاری در ساختمان از تولید ناخالص داخلی طی این دوره اساساً ناظر بر شرایط

۱. با توجه به تفکیک مقوله محیط سرمایه‌گذاری و فضای کسب و کار، ضروری است اندازه‌گیری شاخص‌های بهبود امنیت و محیط سرمایه‌گذاری مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد و ارزیابی جدی از تغییرات محیط سرمایه‌گذاری (در کنار شاخص‌های فضای کسب و کار که امروزه صورت می‌گیرد) ارائه شود. براین اساس پیشنهاد می‌شود «کارگروه کاهش ریسک سرمایه‌گذاری» با محوریت وزارت امور اقتصادی و دارایی و با همکاری بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت امور خارجه تشکیل گردد. ضروری است هدفگذاری مشخصی جهت بهبود رتبه ریسک سرمایه‌گذاری ایران برای این کارگروه تعریف شود. کارگروه مذکور مسئولیت باید تا به صورت ادواری، گزارشی از مذاکرات انجام شده با بانک‌های مرکزی اروپایی و آسیایی، موسسات رتبه‌بندی و سایر نهادهای ذیربط بین‌المللی را به همراه تحلیل دستاوردها و موانع باقی‌مانده در هیأت دولت ارائه دهد.

رکودی حاکم بر بخش ساختمان در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ بوده، درحالی که روند افزایش سهم سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات طی دوره ۹۵-۱۳۹۳ به کاهش تولید ناخالص داخلی کشور در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و بهبود شرایط تجاری جهت ورود کالاهای سرمایه‌ای به کشور در سال ۱۳۹۵ مربوط می‌شود.

جدول (۲-۴): روند نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱
(به قیمت جاری) (درصد)

سال	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید	نسبت سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات به تولید	نسبت سرمایه‌گذاری در ساختمان به تولید
۱۳۹۱	۱۶٫۶	۵٫۹	۱۰٫۷
۱۳۹۲	۱۵٫۱	۵٫۳	۹٫۸
۱۳۹۳	۱۶٫۱	۷٫۴	۸٫۷
۱۳۹۴	۱۹٫۸	۱۲	۷٫۸
۱۳۹۵	۲۴٫۵	۱۸٫۳	۶٫۲

مأخذ: مرکز آمار ایران.

با این حال این نسبت در مقایسه با نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی پایین است که عمده علت آن ضعف نظام مالی کشور جهت معطوف کردن عمده منابع پس‌انداز جامعه به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی است. از دیگر دلایل نسبت پایین سرمایه‌گذاری به تولید می‌توان به پیامدهای پدیده خام‌فروشی منبع طبیعی (نفت) از طریق تغییر نرخ‌های بازدهی و قیمت‌های سایه‌ای عوامل تولید اشاره کرد. این امر به عنوان عامل تغییر در نسبت قیمت کالاهای قابل تجارت و غیرقابل تجارت می‌تواند از سه طریق بر ساختار صنعتی خلل ایجاد کند؛ اول: تغییر ارزش‌های سایه‌ای قیمت عوامل تولید به نفع بخش نفت و به ضرر بخش صنعت؛ دوم: تغییر نرخ‌های بازدهی عوامل تولید (از جمله نرخ دستمزد) به ضرر بخش قابل تجارت و سوم: تأثیر بر ساختار پولی کشور از طریق کاهش سهم‌های اعتباری به ضرر بخش تولید و کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری. برخی نتایج چنین اخلاقی در ساختار صنعتی شامل «تقویت بخش نفت و عدم جانشینی میان عوامل تولید بخش نفت و سایر بخش‌ها (و رشد نامتوازن اقتصادی و تداوم اقتصاد تک‌محصولی)» و «افزایش هزینه‌های نصب و نگهداری سرمایه‌گذاری صنعتی (به دلیل افزایش قیمت بیشتر بخش زمین و مسکن)» می‌باشد.

۵-۲. سهم زیرگروه صنعت از اقتصاد ملی

روند سهم ارزش افزوده زیرگروه صنعت از تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت جاری از ۱۸ درصد در ابتدای دوره به ۱۷ درصد در انتهای دوره کاهش یافته است. در حالی که با احتساب نفت این نسبت از ۱۴ به ۱۴٫۶ درصد افزایش یافته است. این بدان معناست که اگر از نقش جزء استخراج نفت و گاز طبیعی در اقتصاد صرف‌نظر شود، اقتصاد کشور برخلاف مسیرهای متعارف توسعه صنعتی با کاهش سهم ارزش تولیدات بخش صنعتی در اقتصاد ملی در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ مواجه بوده است.

جدول (۵-۲): روند سهم ارزش افزوده زیرگروه صنعت از تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۹۱-۹۵

(به قیمت جاری) (درصد)

سال	نسبت ارزش افزوده زیرگروه صنعت به تولید ناخالص داخلی	نسبت ارزش افزوده زیرگروه صنعت به تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)
۱۳۹۱	۱۴	۱۸
۱۳۹۲	۱۴٫۷	۱۹٫۱
۱۳۹۳	۱۴٫۸	۱۸٫۰
۱۳۹۴	۱۵٫۲	۱۷٫۳
۱۳۹۵	۱۴٫۶	۱۷٫۰

مأخذ: مرکز آمار ایران.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل دوم

اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ رشد پرنوسانی را بواسطه وابستگی به درآمدهای نفتی تجربه کرد. در سال ۱۳۹۵ با افزایش ۳۵٫۳ درصدی جزء استخراج نفت و گاز طبیعی که سهم ۵٫۸ واحد درصدی از رشد اقتصادی ۱۱٫۱ درصدی کشور در این سال را به خود اختصاص می‌دهد اقتصاد کشور با تحریک رشد اقتصادی مواجه شد، اما به دلیل تأثیر پایین و ماندگاری کم اثر جزء استخراج نفت و گاز طبیعی بر رشد اقتصادی کشور تداوم این رشد در سال‌های آتی دور از انتظار خواهد بود. در این سال گروه صنعت رشد ۶٫۵ درصدی (و سهم ۱٫۱ واحد درصدی از رشد اقتصادی کشور) داشت و کاهش ۱۱٫۳ درصدی ارزش افزوده گروه ساختمان به دلیل تأثیر کاهنده بر تقاضای محصولات صنعتی و معدنی عامل بازدارنده‌ای برای رشد زیرگروه صنعت بود. در سال ۱۳۹۵ با بهبود هزینه‌های عمرانی دولت، اقتصاد کشور شاهد رشد زیرگروه تأمین آب و برق و گاز

طبیعی بود، این در حالی است که در سمت تقاضای اقتصاد به دلیل رشد محدود هزینه‌های مصرف نهایی داخلی، بخش عمده‌ای از تقاضا از طریق بخش خارجی و صادرات صورت گرفت.

طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ روندی کاهشی را تجربه کرد، با این حال در سال ۱۳۹۵ در اثر تسهیل و گشایش ایجاد شده در محیط تجاری در حوزه واردات کالاهای سرمایه‌ای، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات با رشد ۱٫۳ درصدی مواجه گردید و به دلیل رکود بخش ساختمان و کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در گروه ساختمان ۱۱٫۳ درصد کاهش یافت. همچنین بررسی سهم زیرگروه صنعت از تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری در سال ۱۳۹۵ حاکی از روند کاهشی زیرگروه صنعت از اقتصاد ملی طی نیمه اول دهه ۱۳۹۰ است. وضعیتی که تغییر آن نیازمند بازطراحی سیاست‌های اقتصادی با جهت‌گیری پشتیبانی از تولید صنعتی و طراحی و پیاده‌سازی سیاست صنعتی جدید با رویکرد تولید محصولات با ارزش افزوده بالا می‌باشد.

طی این دوره تشکیل سرمایه ثابت ناخالص وضعیت بی‌ثباتی را تجربه کرده است. ایجاد ثبات بیشتر در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی علاوه بر تقویت کارکرد تثبیتی صندوق توسعه ملی مستلزم عنایت به مؤلفه‌های محیط سرمایه‌گذاری اعم از ریسک، رقابت‌پذیری و امنیت سرمایه‌گذاری است که ابعاد آن به مراتب فراتر از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار است که به بهبود مستمر فرآیندهای اداری جهت کاهش هزینه‌ها و زمان مربوط می‌شود.

در مجموع پایداری رشد اقتصادی دورقمی سال ۱۳۹۵ (به دلیل اتکا به رشد بخش نفت) در سال‌های آتی محتمل بنظر نمی‌رسد. ضمن آنکه کمبود تقاضای مؤثر در بخش‌هایی مانند مسکن و از دست رفتن بازارهای صادراتی برای برخی محصولات صنعتی از مهم‌ترین دلایل بازدارنده رشد بخش صنعت طی سال‌های آتی است. در این راستا افزایش هزینه‌های عمرانی و تقویت تقاضا در بخش مسکن می‌تواند از سیاست‌های مؤثر در تقویت رشد اقتصادی سال‌های آتی باشد.